روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۳۷-۸۸۹۸۶۸۲۹ نمابر: ۸۸۹۸۶۸۴۸ تلفن آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۰۸ اذان صبح فردا ۴:۴۱ طلوع آفتاب ۶:۱۴

روزنامه شرق

دوشنبه ● ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ ● ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۴ ● ۲۹ آوریل ۲۰۱۳ ● سال دهم ● شماره ۱۷۱۹ ● ۱۶صفحه

جمشید مشایخی «کوروش بزرگ» را دکلمه می‌کند

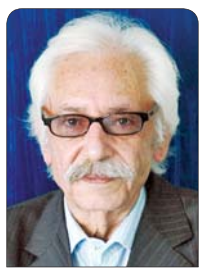

ایسنا: قطعه حماسی «کوروش بزرگ» به خوانندگی دانیال دادور و دکلمه جمشید مشایخی به زودی وارد بازار موسیقی خواهد شد. این قطعه حماسی که گفته می‌شود، جزو پرهزینه‌ترین تک‌آهنگ‌های موسیقی مجاز کشور است، با ترانه‌ای از بابک صحرایی تولید شده و ملودی «کوروش بزرگ» اثر مشترک دانیال دادور و نیکان ابراهیمی است. قطعه «کوروش بزرگ» به صورت زنده ضبط شده و نوازنده‌های ایران همچون رضا تاجبخش، فیروز ویسانلو، علی جعفری‌پویان، میثم مروستی و کریم قربانی در آن به نوازندگی پرداخته‌اند.

فراسو

بچه‌های تهران در کرانه باختری

محمود اشرفی

● کشتی کهنه و زنگاربسته روسی در بامداد مه‌آلود انزلی پهلو گرفت. آنگاه مه تا سینه درختان بالا خزید و حالا نوبت باران سرد بهاری بود که خواب را از سر کودکان آواره لهستانی برباید؛ اما آنها را در مورد راه پیش‌رویشان هشیار نکرد. نمایندگان آژانس یهود نام آنها را در فهرستگان خود به عنوان هم‌کیش ثبت کردند. در حالی که بیشتر آنها کودکان مسیحی بودند. براساس آخرین سرشماری‌های رسمی ۹۱درصد جمعیت کنونی لهستان پیرو مذهب رومن کاتولیک هستند. داستان کودکان آواره لهستانی که در میانه جنگ دوم جهانی در آوریل ۱۹۴۲ از اتحاد شوروی به انزلی آمدند و سپس به تهران رفتند به اندکی پیش از آغاز جنگ دوم بازمی‌گردد. در سال ۱۹۳۹ حکومت سوسیالیستی استالین و آلمان با بستن پیمانی لهستان را بین خود تقسیم کردند. در سال ۱۹۴۰ شوروی گروهی از لهستانی‌ها را که در میان آنها یهودیان نیز بودند به سیبری تبعید کرد. پیمان شوروی و آلمان، دوامی نیافت و نازی‌ها در تابستان ۱۹۴۱ به شوروی تاختند. در شرایط جدید شوروی با خروج آوارگان لهستانی از خاک خود موافقت کرد و گروهی از آنها از جمله صدها کودک یتیم به تهران آمدند؛ کودکانی که در تاریخ سیاسی جهان به «بچه‌های تهران» شهرت یافتند. «بچه‌های تهران» را زمستان سال بعد از تهران به کرانه‌غربی رود اردن بردند و تقریبا تمامی آنها در نبردهای ۱۹۴۸ بین اعراب و اسراییل کشته شدند. کودکانی که قربانی یک برنامه تبلیغاتی نابخردانه صهیونیست‌ها شدند. سیاست‌سازان اسراییل هیچگاه از این حقایق تاریخی، درسی نیاموخته‌اند. این روزها در تدارک سروسامان دادن به سیاست‌های بلندمدت، وزارتخانه جدیدی به نام وزارت امور استراتژیک در ساختار حکومتی اسراییل شکل گرفته است اما ایجاد تشکیلات جدید در ساختار و ترتیبات سیاسی این کشور مانع اشتباهات بزرگ نخواهد شد. نگرش استراتژیک برپایه همه‌سونگری و آینده‌نگری است. آینده‌پژوهی به ما دوری از افکار نژادپرستانه و برتری‌جویی قومی را می‌آموزد. نگاه استراتژیک نمی‌تواند با پندارهای جهانی در تضاد باشد. از این رو ایجاد تشکیلاتی همانند وزارت امور استراتژیک در ساختار سیاسی اسراییل به تفاهم و صلح منطقه‌ای کمک نخواهد کرد. بلکه به ابزاری برای ایجاد تنش و بر هم زدن آرامش منطقه بدل خواهد شد. این کشتی زنگ‌زده در آشوب و آتش و دود جنگ هیچ‌گاه به ساحل نخواهد رسید.

تولدی دیگر

حمید سمندریان؛ پدر تئاتر ایران ۸۲ساله شد

جای او خالیست...

عسل عباسیان

«مهربان باشید با هم، با همه؛ حسادت و نادانی دشمن درجه یک شماست؛ جغرافیای هنر شما به بزرگی روح بشر و کائنات و ابدیت است، نه چهاردیواری‌های تنگ صحنه؛ اعتبار هنری‌تان را اگر از پامال کردن اعتبار دیگران گدایی کرده‌اید، هیچ نیستید، هیچ؛ نوچه‌پروری و لشکرکشی قبیله‌ای رایج هیچ نسبیتی با دانش‌پروری و دانش‌آموزی ندارد؛ به معنای عمیق کلمه استاد باشید بی‌آنکه گرفتار تفرعن، تبختر، نخوت و پلشتی‌های رایج همراه این واژه بزرگ باشید؛ موج‌سواری سیاسی نکنید که بدجوری غرق می‌شوید؛ بر اصول خودتان پافشاری کنید، اگر اصولی دارید؛ حتی اگر زجرآورترین تنهایی‌ها نصیبتان شود. هنر مردان بزرگ همین است؛ عاشق باشید و عاشق بمانید.»

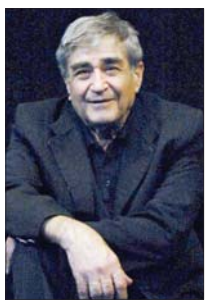

جملاتی که خواندید از مردی است که حالا ۱۰ماهی می‌شود که صحنه در سوگ او داغدار است. امروز «حمید سمندریان» پدر تئاتر مدرن ایران ۸۲ساله می‌شود و این نخستین سالی است که دوستدارانش تولدش را در نبودش جشن می‌گیرند. همسرش، «هما روستا»، با بغض و اشک از جای خالی‌اش می‌گوید و دیگران هم معتقدند که با فقدان او تئاتر، جواهری گرانقیمت را از دست داده است. در ادامه، حرف‌های نزدیکان او را در سالروز تولدش می‌خوانید.

هما روستا: پارسال در چنین روزی برای «حمید» جشن تولد گرفتیم... و امسال جایش خالی است... خالی است... خالی است... در همه لحظه‌ها... جایش خالی است تا ببینید دوباره پس از سال‌ها روی صحنه‌ام...

عزت‌الله انتظامی: سالیان سال با «حمید سمندریان» زندگی و رفاقت کردم. واقعا ازدست‌دادن او فقدان بزرگی برای جامعه تئاتر ایران بود. بعد از رفتن این جواهر قیمتی، تئاتر ایران یتیم شد. کاری راکه سمندریان برای تئاتر کرد مشکل بتوان از این به بعد نمونه‌اش را بر صحنه‌ها دید. سمندریان تکرارنشدنی بود.

داوود رشیدی: نخستین‌بار در اوایل دهه ۴۰ شمسی با حمید سمندریان توسط پری صابری، آشنا شدم. حمید سمندریان در دانشگاه حضور مستمر و فعال داشت و استاد بسیار موفقی بود. من هم مدتی در دانشکده هنرهای زیبا تدریس می‌کردم و به‌واسطه همین همکاری تبدیل به رفقای صمیمی شدیم. سمندریان علاوه بر اینکه هنرمند درجه یک تئاتر بود، هنر بسیار بزرگ دیگری هم داشت در زمینه آموزش به جوانان. او یک آموزگار درجه یک بود و خوب می‌توانست دانسته‌ها و علم و هنر خودش را به جوانان منتقل کند و همین ویژگی او را از سایر هنرمندان این عرصه جدا کرده بود. ضمن جدیت، با دانشجویان و شاگردانش، خیلی جدی هم بود، اما درعین‌حال شاگردانش با او احساس نزدیکی می‌کردند. کارهای تئاتری حمید سمندریان را خیلی دوست داشتم و باز در آن کارها هم او نشان داد که علاوه بر عرضه هنر خودش می‌تواند در قالب همان اجرا به دیگران معیارهای درست اجرایی را آموزش بدهد.

خاطره خوبی از جشن تولد دو سال قبل با او دارم. همسرش «هما روستا» جشنی ساده و به‌یادماندنی برای ۸۰ساله‌شدنش ترتیب داده بود که اتفاقا من هم شرکت کردم و شوق و شادی کودکانه‌اش را در آن روز هرگز فراموش نمی‌کنم. در تمام روزهای بیماری قبل از فوتش به ملاقاتش می‌رفتم و از دست رفتنش برایم ضایعه بزرگی بود، همان‌طور که برای تئاتر و بازیگری ایران.

اما خوشحالم که شاگردان بسیاری که دست‌پرورده‌اش هستند، امروز مشغول آموزش به جوانان هستند.

علی درخشی
aderakhshi@yahoo.com

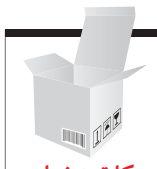

کارتون خواب

افزایش تعداد دانشجو، سرانه خوابگاهی دانشجویان علوم پزشکی را کاهش داد

از هرنظر بی‌ضرر

انواع سوخت غیرسیاسی

پوریا عالمی

● حالا که دوباره بحث سوخت و قیمت آن در مجلس و جامعه مطرح شده، امروز انواع سوخت غیرسیاسی را بررسی می‌کنیم.

پرسش و پاسخ سوختی

پرسش: فرق سیاستمداران ایرانی با پدران ایرانی چیست؟

پاسخ: بابای ایرانی وعده‌هاش دیر و زود دارد، اما سوخت‌وسوز ندارد.

سیاستمدار ایرانی وعده‌هاش سوخت‌وسوز دارد، اما دیر و زود ندارد. یعنی تا نسوزاند بی‌خیال نمی‌شود.

کنفرانس مطبوعاتی سوختی

مقام مسوول: ما به این نتیجه رسیدیم که جای خودروها باید راننده‌ها را دوگانه‌سوز کنیم.

خبرنگار: ببخشید میشه بیشتر توضیح بدید؟

مقام مسوول: بله. ما باید سیاستگذاری‌مان طوری باشد که هم دل آنها بسوزد، هم چیزشان... چیز... دماغشان. اگر به‌جایی برسیم که دل و دماغشان با هم بسوزد، در سوخت صرفه‌جویی می‌کنیم. بعد هم از نظر کارشناسی اگر دل و دماغ بسوزد، بوی سوختگی و درد سوختگی باعث می‌شود دیگر کسی به خانه و زندگی و اتومبیل و مسافرت و این قبیل قرتی‌بازی‌های بیهوده، فکر نکند...

اکتشاف در حمام

اورِکا... اورِکا... سوختم... سوختم... یافتم... یافتم... لخت‌وپتی و اَرشمیدس‌وار در خزینه یافتم... سوختم و یافتم... اگر ما در هر اتومبیل یک دوش بالای سر راننده نصب کنیم و آب داغ را بریزیم روی سر رانندگان عزیز، آنان می‌سوزند و با سوختی که تولید می‌کنند، می‌توان سوخت اتومبیل را تامین کرد. این‌طوری ما دیگر نیازی به بنزین نداریم.

دیالوگ انحرافی

– بپا نسوزه مهندس...

– بگذار بسوزد... بگذار بسوزم... درود بر تو ای ایرانی. ای جوان کاشف. ای فرزند کوروش. چه کشف عجیب آریایی‌ای. یادم بنداز از شما به‌عنوان دانشمند و مخترع و مکتشف جوان قدردانی کنم.

انتخاباتی

پرسش: شما برای تامین سوخت چه برنامه‌ای دارید؟

کاندیدا: ما آتش می‌سوزانیم.

بیهقی

محمد حقوقی؛ پرنده هزاربال

داریوش معمار

محمد حقوقی، شاعر و منتقد شناخته شده شعر نو فارسی به همراه هوشنگ گلشیری، ابوالحسن نجفی، جلیل دوستخواه، محمد کلباسی، احمد گلشیری، اورنگ خضرایی، مجید نفیسی، رضا فرخفال، احمد میرعلایی، ضیاء موحد، هرمز شهدادی، محمدرضا شیروانی، یونس تراکمه، منصور کوشان و ... با عنوان حلقه «جنگ اصفهان» شهرت یافتند که برگرفته از مجله‌ای به همین نام بود که توسط ایشان انتشار می‌یافت. او همچنین با انتشار نخستین آنتولوژی شعر نو فارسی در دهه پنجاه شهرت بسیاری میان محافل ادبی و علاقه‌مندان شعر به دست آورد. محمد حقوقی منتقد و شاعر اصفهانی، متولد اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ است، او از دانشسرای عالی تهران فارق‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی شد، این موضوع احتمالا سرآغاز رشته‌ای بوده که تا زمان مرگ، وی را در پیوند با شعر و ادبیات قرار داده است. حقوقی، کار سرایش شعر را با قصیده‌سرایی تحت تاثیر سبک خراسانی و مهدی اخوان ثالث، آغاز کرد اما در ادامه راه دیگری را برگزید و شاعری نیمایی شد. در سال‌های دهه ۶۰ فعالیت ادبی حقوقی مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی تحت تاثیر تحولات سریع اجتماعی و جنگ متوقف شد، او در مورد آغاز مجدد کارش در این سال‌ها روایتی جالب آورده است: «خود من تا سال۵۹ قضایا را می‌نگریستم، تا اینکه با شروع جنگ، اضطراب به نهایت شدت خود رسید، اضطراب تجزیه وطنم. تا سرانجام که یک شب تا صبح در یک حالت انفجار، شعر بلند «خروس هزاربال» را نوشتم.»

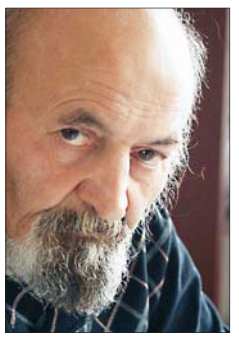

اگر قرار باشد میان منتقدان مطرح شعر نو که در شاعری نیز شهرتی داشتند، نام سه نفر را به عنوان مطرح‌ترین افرادی که تلاششان در تحلیل آثار نوپردازان تاثیر بسیاری در تداوم مسیر شعر نو داشته بیاوریم، حقوقی، براهنی و دستغیب احتمالا در پنج‌دهه گذشته در صدر فهرست می‌باشند. حقوقی با انتشار تحلیل‌هایی تحت عنوان «شعر زمان ما» درخصوص آثار مهم‌ترین شاعران نوپرداز که پیش‌تر شهرتشان در مقاله« کی مرده کی به‌جاست» توسط او در مجله جنگ اصفهان پیش‌بینی شده بود، در میان عموم مخاطبان ادبی به عنوان منتقدی معتبر در سال‌های آخر عمرش شناخته شد. در دهه ۷۰ حقوقی میان شاعران جوان و تحول‌خواه این دوره که نسل پنجم از نوپردازان بودند، به دلیل نزدیکی که با ایشان در رفتارش بروز می‌داد و دقت در آثارشان و معرفی شعر چهره‌های مستعد این نسل مقبولیت یافت.

زاویه دید

«نرودا» با طعم خون

پوریا سوری

«نفتالی ریکاردو الیسر ریه‌س باسوآلتو» کجا و «پابلو نرودا» کجا! حساب کنید به کتابفروشی رفته‌اید و می‌خواهید کتاب «اگر با شما سخن بگویم» که به تازگی از «نرودا» منتشر شده را سفارش دهید، آن وقت مجبور بودید بجای پابلو نرودا هی بگویید، لطفا کتاب جدید نفتالی ریکاردو الیسر ریه‌س... مطمئنم تا آخرش را نمی‌توانستید بگویید و شاید از خیر خرید این مجموعه شعر عاشقانه که برای مردم سروده شده و به‌تازگی «قاسم صنعوی» آن را ترجمه کرده و نشر «بوتیمار» نشرش داده، می‌گذشتید.

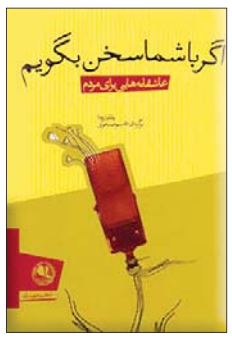

پس بیایید برای روح مرحوم «نفتالی ریکاردو الیسر ریه‌س باسوآلتو» که نامش را به «پابلو نرودا» تغییر داد و کار جهانی را ساده کرد، طلب آمرزش کنیم که ما را از خیر حفظ‌کردن آن اسم سخت رهانید.

شاعر «هوا را از من بگیر خنده‌ات را نه» که سیاستمدار و دیپلمات و برنده جایزه نوبل هم بود، نام خود را از «یان نرودا» که از سرشناس‌ترین نویسندگان رئالیسم در چک و از اعضای «مدرسه ماه مه» بود وام گرفت و همین نام مستعار بعدها در قالب «پابلو نرودا» نام رسمی او شد. از نرودا کتاب‌های زیادی به فارسی ترجمه شده است و از مهم‌ترین مترجمان این شاعر برجسته، فرامرز سلیمانی، احمد کریمی حکاک، احمد پوری ، احمد محیط و قاسم صنعوی‌هستند.

نرودا شاعری است که به‌دلیل روحیه آرمانخواه و اشعار عاشقانه –اجتماعی‌اش همیشه مورد وثوق و رجوع شاعران و همین‌طور شعردوستان ایرانی بوده و از همین‌رو مترجمان بزرگ ایران هرازگاه به این گنجینه ستودنی سر می‌زنند و خوانشی تازه از زبان صلح و عشق و انسانیت را به فارسی ترجمه می‌کنند. قاسم صنعوی هم به‌تازگی در همین کتاب «اگر با شما سخن بگویم» که «عاشقانه‌هایی برای مردم» را زیر عنوان دارد، شعرهای تری از نرودا را با سبک خاص خود ترجمه کرده و به بازار نشر فرستاده که «در سالبادور مرگ» یکی از آن شعرهاست:

در سالبادور مرگ هنوز پرسه می‌زند
خونِ روستاییانِ سر به نیست شده
خشک نشده است، زمان خشکش نمی‌کند
باران از راه‌ها پاکش نمی‌کند.
آنهایی که به مسلسل بسته شدند پانزده‌هزار بودند.
«مارتینت» آدم‌کش نامیده می‌شد.
از آن پس در سالبادور
زمین، نان و شراب، طعم خون گرفتند.

مرگ مولف

در بزرگداشت «عباس حری»

آچارفرانسه کتابداری ایران

موسی مجیدی

● دکتر عباس حری، را می‌توان برجسته‌ترین چهره کتابداری ایران معرفی کرد چرا که علاوه بر خدماتی که در حوزه کتابداری و کتاب‌شناسی به کشور و جامعه دانشگاهی داشته در حوزه‌های متعدد این رشته نیز نوآوری‌هایی به وجود آورده که در نوع خود بی‌نظیر به حساب می‌آید. من و مرحوم حری، هر دو متولد سال۱۳۱۵ بودیم و ایشان در دوره دکترای کتابداری استاد من بودند. ایشان در دانشگاه لندن دکترای خود را در رشته کتابداری گرفته بوده و زمانی که به ایران آمدند این رشته را در دانشگاه تهران تاسیس کرده و تمام توانشان را در زمینه ارتقای این رشته گذاشتند. متاسفانه همان‌طور که می‌دانید، رشته کتابداری رشته دانشگاهی کاملا شناخته‌شده‌ای نیست و بسیاری از مردم، از اهمیت این رشته بی‌اطلاع هستند و حتی دانشجویانی که معمولا به این رشته وارد می‌شوند، به نوعی بر اساس اجبارها در انتخاب رشته، دل به این درس می‌سپارند. اما دکتر حری، عاشق این رشته و علم بود و بسیاری از کتابداران ایران را می‌توان شاگردان ایشان به حساب آورد؛ کسانی که بعد از دانشگاه و تحصیل در این رشته، سعی در جهت ارتقای آن در جامعه داشتند همگی شاگردان دکتر حری بودند. دکترحری را می‌توان آچارفرانسه رشته کتابداری به حساب آورد چرا که در آن واحد هم ایجادکننده رشته کتابداری بودند، هم اولین مدیر گروه این رشته در دانشگاه تهران و هم استاد این درس. در زمینه کتابداری مقالات و کتاب‌های متعددی به قلم ایشان نوشته شده و سرپرستی دایره‌المعارف کتابداری بر عهده ایشان بوده است. شاید به همین خاطر باشد که می‌گویم آچارفرانسه این رشته به حساب می‌آمدند. در طراحی مطالب درسی و تالیف، رویه نوگرایانه ایشان همیشه مورد توجه بوده و هرجا که به موضوع مهمی در دانش کتابداری برخورد می‌کنیم، می‌بینیم که ایشان در این‌باره کتاب یا مقاله‌ای منتشر کرده‌اند. اما بی‌شک مهم‌ترین و نخستین اثر گرانقدر ایشان، تالیف کتاب «روش تحقیق کتابداری» بود که در زمینه خود اولین نمونه و مهم‌ترین نمونه به حساب می‌آید.

مدیرگروه اسبق رشته کتابداری دانشگاه آزاد

دکه

شماره ۲۳ خط‌خطی منتشر شد

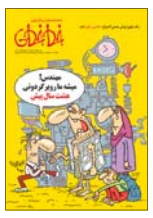

● **نام‌نشریه:** ماهنامه خط‌خطی
سردبیر: امین مویدی
حوزه انتشار: طنز و کارتون
قیمت: سه‌هزارتومان، معادل یک‌پرس کباب‌برگ هشت‌سال پیش
زمان انتشار: اردیبهشت ۹۲
تعداد صفحات: ۶۸ صفحه

مطالب مهم:

۱- طرح جلد این شماره که بر اساس ادعای یک جوان ایرانی مبنی بر اختراع «ماشین زمان» شکل گرفته است.

۲- یادداشت مدیرمسوول خط‌خطی که در سرخط این شماره به آن اشاره کرده و پیشنهاد می‌کند: «پس بهتر است جوانان عزیز، فکری هم برای تولید «ماشین مکان» بکنند! ماشین مکان می‌تواند در بستر مکان حرکت کرده و پیش‌بینی کند که آن زمان، هرکسی در چه مکانی است و این‌جوری مشکل فیزیکی ظرف‌ومظروف هم حل می‌شود! »

۳- نگاهی به کارتون‌های رالف استدمن به قلم هادی حیدری

مطلب پیشنهادی «شرق»:

گفت‌وگوی ویژه با مخترع ماشین زمان به مناسبت سالروز کشف قاره آسیا در صفحه ۱۴

رویداد

سخنرانی محمود حسینی‌زاد درباره بیهقی

● **مهر:** هجدهمین جلسه درسگفتارهایی درباره بیهقی با عنوان «بارانکی خردخرد می‌بارید»، با سخنرانی محمود حسینی‌زاد در موسسه فرهنگی شهر کتاب برگزار خواهد شد. این نشست از ساعت ۱۶:۳۰ روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

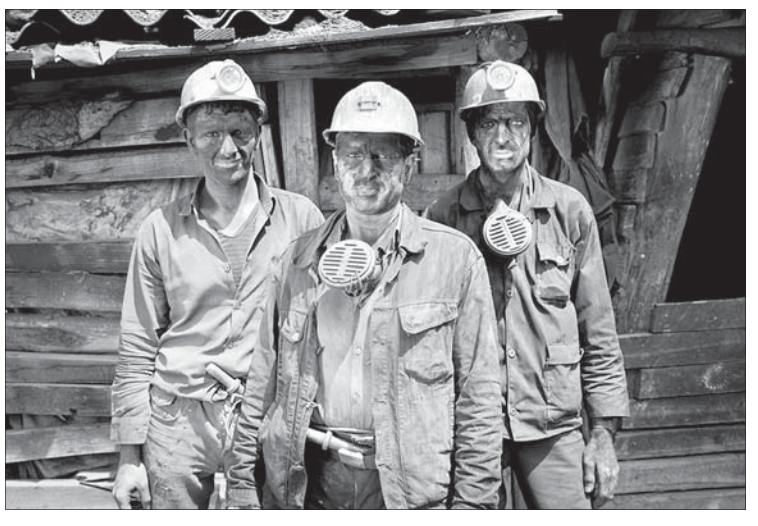

بچه های اعماق

علی آقاربیع

متولد تهران است. عکاسی را از سال ۱۳۶۹ در انجمن سینمای جوان آغاز کرد و حاصل فعالیت در این دوره تا سال ۱۳۷۵ ساخت سه فیلم کوتاه و شرکت در چهار نمایشگاه گروهی عکس بود. فعالیت عکاسی برای مطبوعات را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و عکس‌هایش در مطبوعات داخلی و خارجی و خبرگزاری‌ها منتشر شد. این فعالیت مطبوعاتی تا سال ۱۳۸۸ ادامه یافت و پس از آن «آژانس عکس جام» را به عنوان اولین آژانس عکس خصوصی «عکس مستند» تاسیس کرد. در حال حاضر به عنوان عکاس آزاد مشغول به فعالیت است.

جدیدترین مجموعه عکس‌های آقاربیع مربوط به معدن زغال‌سنگ «زمستان یورت» آزادشهر به عنوان «مرگ رنگ» این یادداشت را به همراه دارد:

به تونل که وارد می‌شوی همه چیز تیره است و تار. تنها چراغ کلاه‌های ایمنی کارگران است که به سویت برمی‌گردد، تا غریبه وارد شده که تنها چیز جدید این تاریکیست را نظاره کنند. از تاریکی تونل اما وقتی بیرون می‌روی آنقدر نور است که باز هم همه چیز تیره و تار می‌شود. گویی اینجا هیچ‌گاه رنگ سر دوستی با انسان را ندارد.

عکاس‌خانه